

حمید زمانی [Hamid.Zamani@hotmail.com](mailto:Hamid.Zamani@hotmail.com)

## زبان مادری و بین‌المللی بجای تنها یک زبان

در کشور های برخوردار از تنوع قومی و زبانی ، در تعیین زبان رسمی و زبان دوم و سوم بحث های زیادی صورت گرفته و نتایج متفاوتی حاصل شده است .

در برخی از کشورها، یکی از زبان هائی که تعداد زیادی از مردم کشور به آن صحبت می کنند، بعنوان زبان اصلی و رسمی انتخاب شده است مثل زبان فارسی در ایران . و در بعضی ممالک زبان حاکمان که قسمتی از جمعیت کشور نیز به آن زبان صحبت می کنند بعنوان زبان رسمی تعیین و به بقیه اقوام موجود در کشور تحمیل شده است مانند زبان روسی در اتحاد جماهیر شوروی سابق . البته ناگفته نماند که به بقیه ملیت ها اجازه داده شده بود که علاوه بر زبان روسی ؛ زبان محلی خود را نیز بطور رسمی آموزش دیده و به آن مسلط شوند و یا زبان عربی در زمان حکومت صدام حسین که کردها و ترکمنها نیز ناگزیر از فراگیری آن به عنوان زبان رسمی بودند

در بعضی از کشورهای پیشرفته ، تعدادی از زبان های مرسوم کشور به رسمیت شناخته شده و اجازه داده اند مردم به زبان محلی خود در مدارس و دانشگاه ها تحصیل و تدریس کرده، رسانه های جمعی نیز به همان زبان برنامه پخش نمایند ، مثل کانادا که زبان انگلیسی و فرانسه ، دو زبان رسمی و همتراز کشور بوده و حتی در مجلس شورای ملی، هر کس به زبان محلی خود مسائل را مطرح می کند . البته تعداد زیادی از کانادائی ها زبان دیگر کشور را نیز به خوبی میدانند . همچنین در کشور کوچک سوئیس، که زبان 70 درصد مردم آلمانی ، 20 درصد فرانسه و 10 درصد ایتالیائی می باشد و هر سه در کشور زبان رسمی محسوب می شود و هر کس در محل خود در مدارس و دانشگاه ها به زبان مادری تحصیل می کند و با توجه به قدرت هر یک از زبان ها از نظر کتاب ، فیلم و مجلات علمی و ادبی هیچ کس از حیث منابع احساس کمبود نمی کند .

واقعیت اینست که کشور ما نیز یکی از کشور های چند زبانه دنیاست . ابتدا بایستی از این بابت خوشحال باشیم که بعلت وسعت کشور و همنشینی صمیمی قوم های مختلف در کنار هم ، از نعمت بزرگ تعدد فرهنگ ها بر خورداریم ، کانادائی ها به خاطر پذیرفتن مهاجرین کشورهای مختلف به خود می بالند و مرتب اعلام می کنند که کشورشان ، سرزمین تنوع فرهنگ ها ست و تمام فرهنگ ها در آنجا کنار هم رشد می کنند و از تغذیه فرهنگی یکدیگر تکامل می یابند و کشور نیز در آرامش ، روز به روز توسعه می یابد . گاندی رهبر فقید هند در یکی از نطق های خود می گوید “ دوست دارم دیوارهای خانه ام را به قدری کوتاه بسازید که نسیم تمام فرهنگ ها در آن بوزد ولی مایل نیستم طوفان آنها فرهنگ مرا با خود ببرد” .

باید بپذیریم که تعدد زبانها نیز در کشور ما مثل سایر پدیده های فرهنگی نعمتی است و در صورتی که با آن درست و منطقی برخورد شود برکات زیادی خواهد داشت و در صورت عدم تدبیر و تنگ نظری ، می تواند مشکل ساز باشد .

غرض از نوشته حاضر اینست که موضوع زبان و یا زبان های موجود در ایران و یا بطور دقیق تر زبان ملی یا زبان بین المللی را مطرح کنیم . در بحث حاضر سعی می شود که موضوع کاملا علمی و دور از هر گونه تعصب مورد بررسی قرار گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد . برای این منظور دیدگاه های زیر مطرح می گردد تا توسط صاحب نظران ، بیشتر مورد ارزیابی و مباحثه قرار گیرد و در صورت موافقت ، نسبت به اجرای آن اقدام گردد .

**زبان فارسی :** زبان فارسی یکی از زبان های ساده و شیرین دنیاست بطوریکه انگلس در نامه ای به مارکس می نویسد که برای مطالعه هنر مشرق زمین ناچار شدم زبان فارسی را یاد بگیرم و این زبان را خیلی ساده و شیرین یافتم و نمی دانم چرا آنهایی که دنبال یک زبان جهانی هستند زبان فارسی را انتخاب نمی کنند و بعد اضافه می کند که تو نمی دانی اشعار حافظ را به زبان فارسی خواندن چقدر لذت بخش است .

فارسی زبانی است که به آن ، حافظ ، سعدی و فردوسی شعر گفته است . مولانا اندیشه ها و تاملات عرفانی را به زبان فارسی سروده است . نه تنها حکما و شعرای فارسی زبان بلکه شعرا و ادبای سایر زبان ها نیز مانند نظامی ، اقبال لاهوری ، شهریار و .... برای گزینایی و حلاوت سخن از زبان فارسی بهره گرفته اند در مورد قابلیت های زبان فارسی شکی نیست و از اینکه این زبان مثل سایر زبان های دنیا باید زنده و جاویدان بماند ؛ خواست جدی همه و وظیفه سازمان ملل متحد نیز می باشد .

**زبان فارسی عامل وحدت ملی :** حالا می خواهیم ضمن تأیید حلاوت و توانایی زبان فارسی ، به موضوع اصلی این گفتار بپردازیم : بعضی ها معتقدند باید در ایران نیز مثل بعضی از کشورهای پیشرفته ، به جای یک زبان ؛ دو یا چند زبان کشور بعنوان زبان رسمی شناخته شود . برخی اعتقاد دارند که زبان هر قومی که در کشور اکثریت دارد به عنوان زبان رسمی انتخاب شود و بالاخره بعضی ها اصرار دارند که زبان فارسی عامل وحدت ملی است و مردم ایران با زبان فارسی با همدیگر ارتباط برقرار می کنند . در زیر دیدگاههای بالامورد بحث و ارزیابی قرار می گیرد تا پیشنهاد مناسبی ارائه گردد .

امروزه زبان ، تنها وسیله بیان احساسات و ارتباط با افراد یک قوم و حتی یک کشور نیست بلکه زبان وسیله مهمی است برای آموزش ، بهره برداری از دانش بشری و ارتباط با جهانیان که به وسیله آن می توان از نظریات و بینش های متنوع هموعان خود مطلع شد و از طریق این تعامل در تمام عرصه های علمی ، اقتصادی و اجتماعی ملی و بین المللی حضور فعال داشت و نقش خود را در کشور و دهکده جهانی به درستی ایفا نمود با توجه به مقدمه بالا باید بپذیریم که هیچکدام از زبان های قومی کشورمان امروزه نمی تواند این نقش را بازی کند و با توجه به اینکه زبان فارسی فاقد قدرت رقابت در عرصه جهانی است ؛ انتخاب این زبان بعنوان

زبان رسمی و ملی کشور این سؤال را بین سایر اقوام ایرانی ایجاد کرده و می کند که چرا زبان فارسی؟ چرا ترکی و یا کردی و یا زبان سایر قوم ها نه؟

گفتیم بعضی ها معتقدند که زبان فارسی عامل وحدت ملی است در صورتیکه هژمونی زبان فارسی نه تنها عامل وحدت نیست بلکه حاکمیت این زبان بطور عملی و روانی باعث دو تیرگی فارسی زبانان با سایر اقوام شده است بطوریکه عملاً آگاهانه و نا آگاهانه زبان ها و لهجه های محلی سایر زبان ها به قدری تحقیر می شوند که ناچار تعداد زیادی از خانواده های اقوام غیر فارسی، سعی می کنند کودکان خود را از زبان مادری که آموختن آن حق همه کودکان جهان است محروم سازند و با آنها به زبان فارسی صحبت کنند تا در آینده نه تنها مورد تمسخر دیگران واقع نشوند بلکه در تحصیل، فعالیت های اجتماعی و سیاسی نیز هم تراز فارسی زبانان گردند. و این تغییر زبان محلی به فارسی را می توانید در اغلب نقاط کشور و حتی در مراکز خواستگاه های زبان های دیگر ایرانی نیز ملاحظه کنید. حاکمیت زبان فارسی باعث شده که مردم سایر زبان ها از ادبیات و کتابت زبان خود آگاهی کافی نداشته باشند و چون نه می توانند به زبان خود بخوانند و نه بنویسند حتی تلفظ خیلی از لغات زبان مادری خود رانیز متفاوت ادا کنند از طرف دیگر اختلاط لغات فارسی با زبانهای بومی باعث شده صحبت به زبان مادری نیز ناهمگون، ناموزون و ناخوشایند باشد؛ بطوریکه خیلی از این کودکان براحتی نمی توانند صحبت کنند و خواست خود را به خوبی ادا نمایند؛ بعنوان مثال هنگامی که با کودکان فارس زبان در تلویزیون مصاحبه می کنند آنان مطالب خود را بسیار روان و شیرین بیان می کنند در صورتیکه همین مصاحبه وقتی با یک کودک ترک زبان چه به زبان فارسی و چه به زبان ترکی انجام می گیرد مطالب نا پیوسته، زمخت و ناخوشایند بیان می شود چون زبان و ادبیات فارسی مرتب در مدرسه، رسانه های صوتی، تصویری و نوشتاری به کار گرفته می شود و در نتیجه تکامل یافته و از تسلسل و حالات بیشتری برخوردار می شود در صورتیکه برای بقیه زبان ها این فرصت ها به این گستردگی فراهم نمی شود پس می توان گفت که این یک ظلم آشکار در حق سایر زبان ها و متکلمین آنها در کشور است. پس آیا می توان با این بی عدالتی به وحدت ملی رسید؟

نگارنده ضمن اینکه تعیین زبان فارسی را به عنوان تنها زبان رسمی و ملی، عادلانه نمی داند، افزودن بر تعداد زبانهای رسمی را نیز در عصر حاضر اصولی و منطقی تلقی نمی کند. اول اینکه یادگیری زبان های متعدد وقت و زحمت بیشتری می طلبد که اکثریت به آن رغبت نشان نمی دهند دوم اینکه این امر سرمایه و امکانات زیادی نیاز دارد و به علت ناکافی بودن منابع علمی و ادبی قوی به زبان های محلی؛ نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. پس چه باید کرد؟

جهت حل مشکل به صورت اساسی، عادلانه و مترقی، برای هریک از اقوام ایرانی دو زبان پیشنهاد می کند. اول زبان مادری که هر کس در خانواده خود بدون زحمت و براحتی از کودکی فرا می گیرد و سپس در مدرسه و حتی در صورت نیاز در دانشگاه نیز تدریس گردد تا هر قوم ایرانی با زبان و ادبیات خود کاملاً

آشنا و به آن مسلط گردیده و از آن لذت ببرد و این حق و آرزوی هر انسان و خواست ملی است که سازمان یونسکو نیز بدان تاکید می ورزد. در این صورت تمام زبان ها، فرهنگ ها و هنر همه اقوام ایرانی احیاء شده ، توسعه یافته و محافظت می شوند. در صورت موافقت با این امر رشد و توسعه زبان های بومی بستگی به فعالیت و وظیفه شناسی نخبگان ادبی و هنری هر قوم دارد که برای بالندگی ادبیات و فرهنگ خود چقدر از خود مایه می گذارند، در این شرایط تمام آنهایی که تحدید زبان های محلی خود را بهانه مخالفت با حکومت های مرکزی قرار می دهند خلع سلاح شده و نخواهند توانست مزاحمت ها و مشکلات سیاسی ایجاد کنند ، اتخاذ چنین رویه ای به امنیت ملی نیز کمک خواهد کرد .

لازم به یاد آوری است که در کنار تدریس زبان محلی می توان مثل بعضی از کشورهای پیشرفته امکانات یادگیری سایر زبان های کشور رانیز در بعضی مدارس و دانشگاه ها جهت علاقمندان فراهم کرد . زبان دوم برای تمامی اقوام ایرانی زبان انگلیسی پیشنهاد می شود به اینصورت که در مدارس و دانشگاه ها تمام دروس علمی مثل فیزیک ، شیمی ، ریاضی و... به زبان انگلیسی تدریس شود چنان که در بعضی از کشورهای پیشرفته نیز این کار عملی شده است به عنوان مثال در سوئد که یک کشور پیشرفته و متمدن دنیاست همزمان با زبان سوئدی، از دوره مهد کودک زبان انگلیسی را فرا می گیرند بطوری که هر کودک سوئدی به دو زبان تسلط می یابد در صورتی که می دانیم سوئدی ها با توجه به فرهنگ و صنعت پیشرفته و منابع علمی به زبان سوئدی ظاهرا نیازی به زبان انگلیسی ندارند ولی شاید دنیای امروز و آینده را بهتر شناخته ، درست تحلیل کرده و عمل می کنند .

در مورد زبان انگلیسی باید بیشتر سخن گفت چون نه تنها ما ایرانیان، بلکه اغلب سیاستمداران و متفکران کشورهای غیر انگلیسی زبان دنیا نیز در گذشته سعی داشته اند با توسعه و گسترش زبان انگلیسی مقابله کنند. از آن جمله جواهر لعل نهرو ، تاگور، فیلسوف نامی هند، تیتو رهبر یوگسلاوی سابق و ... زبان اسپرانتو را به خوبی یاد گرفته بودند و با یکدیگر به این زبان مکاتبه میکردند بطوریکه زمانی در بین مردم جهان نیز اسپرانتو به سبب سادگی و مقابله با هژمونی زبان انگلیسی توسعه یافت و زبان ضد امپریالیستی لقب گرفت و حتی بعد از انقلاب اسلامی ایران در بعضی از مساجد ، اسپرانتو به عنوان زبان محرومان و مستضعفان جهان برای علاقمندان تدریس شد . ولی واقعیت چیز دیگری بود توسعه روز افزون علم ، تکنولوژی و انتشار آن به زبان انگلیسی ، عملا تمام زبان های دنیا را تحت الشعاع قرار داد ؛ بعضی این واقعیت را به موقع پذیرفتند و بهره برداری کردند و برخی به آن همچنان مشکوک ماندند .

امروزه نباید به زبان انگلیسی به عنوان زبان مستکبران جهان نگاه کرد و از آن غافل ماند. در عصر حاضر زبان انگلیسی وسیله ارتباط جهانی است که ما نه تنها به وسیله آن می توانیم با تمام انسان های جهان مرتبط شویم بلکه از تمام منابع علمی ، ادبی و هنری دنیا که اکثرا به این زبان منتشر می شود استفاده کنیم و حتی نظرات ، دیدگاه ها و تولیدات علمی ، هنری و مذهبی خود را با همین زبان به جهانیان عرضه کنیم. باز تأکید

میشود که زبان ارتباطی امروز جهان ، زبان انگلیسی است و ماباید بدون تعصب برای رسیدن به اهداف خود از آن بهره گیریم ، بطوریکه علمای ما در گذشته از زبان علمی و ادبی آن روزگار که عربی بود بدون هیچ تعصبی استفاده می کردند و عربی را به خوبی یاد گرفته و به آن تسلط داشتند و مطالب علمی را به زبان عربی می خواندند و نظرات خود را با آن زبان منتشر می کردند . زمانی زبان فرانسه زبان متداول علمی شناخته شده بود و در مدارس و دانشگاه های ایران و اغلب کشورها تدریس می شد ولی امروزه زبان انگلیسی جای همه زبان های متداول دنیا را گرفته است پس ما می توانیم ضمن حفظ زبان مادری ، زبان انگلیسی را به عنوان یک وسیله مهم ارتباطی یاد گرفته و به آن مسلط شویم مسلما در آینده دور اگر زبان دیگری جایگزین زبان انگلیسی شود بالطبع امکانات یادگیری آن را فراهم خواهیم کرد و برای پیشبرد اهداف خود به آن مسلط خواهیم شد .

باز مایلم بیشتر به مزایای یک زبان مادری و یک زبان بین المللی برای کلیه اقوام ایرانی تاکید کنم . یاد گیری عمومی زبان انگلیسی غیر از مزایائی که قبلا گفته شد باعث می شود تمامی زبان های رایج کشور محترم و همتراز شمرده شود و هیچ فرهنگ و زبانی تحقیر نشود و عدالت در زبان باعث توسعه و وفاق ملی پایدار گردد . بر خلاف نظر بعضی ها که تصور می کنند تنها انتخاب یک زبان سبب تقویت وحدت ملی می شود، امروزه در عمل می بینیم تجویز و تحمیل یک زبان از زبان های ایرانی نمی تواند عامل وحدت باشد بلکه به جرأت می توان گفت که به یکی از مهمترین عوامل نفاق تبدیل شده و حتی می تواند ابزاری برای تحریک ، تشنج و تجزیه تبدیل شود . در صورتی که در کشورهای دیگر مثل هندوستان ، کانادا و سویس شاهد هستیم که تعدد رسمیت زبان ها هیچگونه مشکل ملی و امنیتی بوجود نمی آورند و از طرف دیگر می بینیم علیرغم این که زبان جزیره کرس فرانسه باکشور مادر یکی است ، ایرلندی ها زبان مشترک با انگلستان دارند و یا باسک ها در اسپانیا هم زبان هستند ولی همزبانی عامل وحدت آنها نشده است.

در صورت عمومی شدن یاد گیری زبان انگلیسی در کشور، می توان انتظار داشت :  
نشست ها و کنفرانس های ملی و بین المللی را بطور مرتب به زبان انگلیسی برای بهره برداری هموطنان بر گزار نمود .

مجالس ملی نظیر مجلس شورای اسلامی می تواند به زبان انگلیسی برگزار شود تا تمام اقوام ایرانی در بیان مسائل خود یکسان و همسطح قلمداد شده و بدین گونه عدالت در زبان حاکم گردد .

دانشمندان ، اندیشمندان ، نویسندگان ، هنرمندان و حتی اسلام شناسان برجسته ما به راحتی می توانند با جهانیان ارتباط تنگاتنگ و قوی داشته و نوشته های خود را در تیراژی خیلی بالا منتشر نمایند و نظرات خود را بطور فراگیر ارائه و تبلیغ نمایند .

جهان امروز را دهکده جهانی می نامند و زبان این دهکده ، امروز بدون تعارف زبان انگلیسی است ، هر کس و هر ملتی که زبان این دهکده را بهتر بداند و به آن مسلط شود ، از امکانات مادی و معنوی آن بیشتر استفاده خواهد کرد و جایگاه مناسب خود را در آن پیدا کرده و وظیفه و نقش خود را به درستی ایفا خواهد نمود در غیر این صورت، منزوی خواهد شد و از صحنه بازی کنار خواهد افتاد .

البته شاید بعضی ها فکر کنند که تدریس به زبان انگلیسی در سطح ایران از نظر اجرا امکان پذیر نیست در صورتی که امروزه با توجه به امکانات تکنولوژی موجود، می توان تنها از یک ویدئو و یک تلویزیون و تعدادی فیلم علمی آموزشی که به صورت اصولی و جذاب توسط متخصصین مجرب تهیه شده باشد استفاده کرد و آنها را در اختیار کلیه مدارس شهری و روستائی کشور از مرحله مهد کودک تا آخر دبیرستان قرار داد ، بدین گونه عدالت در تحصیل نیز تا حدودی مراعات خواهد شد . در صورت نیاز و امکان می توان از کانال های تلویزیونی ، اینترنتی و ماهواره ای هم بهره گرفت . بدیهی است که پس از سپری شدن دوره تحصیلی یک نسل ، نسل های بعدی کاملاً به موضوع مسلط شده ، زبان مادری و زبان انگلیسی بصورت عادی جایگاه خود را پیدا خواهد کرد .

خلاصه و نتیجه گیری : بطوری که اشاره شد واقعیت جامعه نشان می دهد که امروزه تنوع و تعصب در عقاید و آرا نمی تواند مثل گذشته عامل تشنج در کشور ما باشد ولی حاکمیت تنها یک زبان در کشور و تحمیل آن به کلیه اقوام ایرانی موجب نفاق و عامل تحقیر سایر زبان ها و فرهنگ هاست و در صورتی که امروز این موضوع در آرامش ، عادلانه و باتدبیر، مطرح و حل نشود در آینده موجبات بر خورد تمدنهارا فراهم خواهد آورد . امید است ما که طراح گفتگوی تمدن ها هستیم موضوع تعدد زبان ها را در کشور خود با گفتگو ، متمدنانه حل کنیم .

اما در مورد زبان دوم ، اگر تنبلی ، تعصب خشک و عدم دور اندیشی و آینده نگری باعث شود که خود را امروز به زبان دهکده جهانی مسلح نکنیم و از همین امروز خود را آگاهانه آماده ورود به این دهکده نسازیم و فعالانه در آن شرکت نکنیم ، فردا خواسته و ناخواسته این زبان نیز به ما تحمیل خواهد شد و در آخر صف با سستی و خفت ، ورود به دهکده را تمنا خواهیم کرد تا دنباله رو این قافله شویم .

